

منصور رحمدل

تحولات سیاست جنایی ایران در قلمرو مواد مخدر ۱۳۷۹-۱۳۸۹

مقدمه

قانونگذاری در ایران در زمینه مواد مخدر مراحل مختلفی را طی کرده است. اولین متن قانونی مشخص در این زمینه قانون تحدید تریاک مصوب ۱۲ ربیع الاول سال ۱۳۲۹ قمری است که در آن از مجرمانه بودن استعمال یا قاچاق مواد مخدر بحثی نیامده بود و حتی دولت به عنوان مرجع صالح برای توزیع مواد مخدر در سطح کشور تلقی شده بود. با تدابیری که در آن قانون اتخاذ شده بود در نظر بود که استعمال تریاک جز به عنوان دارو بعد از ۷ سال از تاریخ تصویب قانون به کلی ممنوع گردد چون این سیاست عملی نشد در سال ۱۳۰۴ موقع تصویب قانون مجازات عمومی، مقنن در ماده ۲۷۵ استعمال علنی افیون و یا شیره تریاک یا مرفین یا چرس را جرم تلقی و مستوجب حبس تأدیبی از ۸ روز تا ۳ ماه یا تأدیه غرامت از ۱۰ تومان تا ۵۰ تومان دانست. بعد از آن که در سال ۱۳۰۷ قانون انحصار دولتی تریاک به تصویب رسید و ماده یک این قانون کلیه معاملات و نگهداری و انبار کردن و تیاری و حمل و نقل و

صدور تریاک، شیر و چونه اعم از مصرف داخلی و خارجی را منحصر به دولت دانست و ماده ۱۵ دولت را مکلف به تأمین وسایل ترك استعمال تریاک در داخل مملکت تا ده سال از تاریخ تصویب قانون نمود. در تعقیب این قانون، قانون مجازات مرتکبین قاچاق تریاک به تاریخ ۱۶ مرداد ۱۳۰۷ به تصویب رسید و حمل و نگهداری و وارد کردن تریاک را جرم تلقی کرده و در واقع این قانون متن قانونی رسمی و مشخصی بود که فعالیت در زمینه مواد مخدر را جرم تلقی کرد و این دو قانون را قانون طرز جلوگیری از قاچاق تریاک مصوب ۱۳۰۸ تکمیل کرد و در سال ۱۳۱۲ قانون مجازات مرتکبین قاچاق نیز به مواردی از مجرمانه تلقی شدن اعمال مربوط به مواد مخدر اشاره کرد و در سال ۱۳۲۸ ماده ۲۷۵ قانون مجازات عمومی اصلاح و دایره شمول آن نسبت به سال ۱۳۰۴ گسترش پیدا کرد. تا این که در سال ۱۳۳۴ قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک به تصویب رسید و کشت خشخاش و تهیه و ورود مواد افیونی (تریاک و شیر و سایر مشتقات آن) و استفاده از اماکن عمومی برای استعمال مواد مزبوره و ساختن و وارد کردن آلات و ادوات مربوط به آن را جرم تلقی کرد. در سال ۱۳۳۸ قانون منع کشت خشخاش و استعمال مواد افیونی به تصویب رسید که در سال ۱۳۴۲ نیز اصلاح شد و در سال ۱۳۴۸ به منظور تشدید مجازات مرتکبین جرائم مواد مخدر قانون تشدید مجازات ... مرتکبین جرائم و خشخاش و ... به تصویب رسید و در سالهای بعد نیز قوانین متفرقه دیگری از تصویب گذشت. این وضعیت ادامه داشت تا اینکه دولت ایران در سال ۱۹۶۱ میلادی به کنوانسیون ۱۹۶۱ سازمان ملل متحد در زمینه مواد مخدر ملحق شد در این کنوانسیون مسأله استرداد، معاضدت قضائی، نیابت قضائی پیش‌بینی شد و در سال ۱۹۷۲ میلادی هم به کنوانسیون مواد روانگردان و به تاریخ ۱۳۷۰/۹/۳ نیز به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان ملحق شد. بررسی این سیر تقنینی که فقط به عمده‌ترین قوانین مصوب

به صورت گذرا اشاره شد، حکایت از شیوع بیشتر استعمال و قاچاق مواد مخدر و تلاش دولت برای مبارزه با این نابسامانی دارد که هر از چندگاهی سعی در تشدید مجازات داشته است و گسترش روزافزون این اعمال ناکامی دولت را در این زمینه به وضوح نشان می دهد. بعد از انقلاب، شورای انقلاب در اقدامی شتابزده و با همان تصویری که قبل از انقلاب وجود داشت با وضع لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرائم مواد مخدر در سال ۱۳۵۹ که حتی در بعضی موارد اصول مسلم و پذیرفته شده حقوق جزا (مانند اصل قانونی بودن مجازاتها) را نادیده گرفته است با پیش بینی مجازاتهای خیلی شدید در صدد مقابله جدی با این معضل برآمد. گذشت زمان ناتوانی و ناکامی این قانون را نیز به منصفه ظهور رساند و در سال ۱۳۶۷ مصوبه ای به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید و با شیوه سرکوبگرانه و با تصور ریشه کن کردن این معضل اجراء می شد که در سال ۱۳۷۶ این مصوبه نیز اصلاح شد و در حال حاضر اجراء می شود.

تردید نیست که قوانین مجازات برای برقراری نظم و جلوگیری از بروز فساد در جامعه کمال ضرورت را دارد ولی قانونی که با واقعیات جامعه منطبق نباشد و به جای مبارزه با علت به مبارزه با معلول بپردازد نه تنها به حل معضل کمک نخواهد کرد بلکه وضعیت را تشدید نیز خواهد کرد. وضع مجازاتهای سنگین اگر واقعاً کارساز می بود باید اثر خود را تا به حال نشان می داد و از افزایش جرائم جلوگیری می کرد. درست است که افزایش جرائم با افزایش میزان جمعیت و سایر عوامل در ارتباط است ولی اگر این افزایش از حد معینی بگذرد و به اصطلاح به وضعیت نابهنجار برسد برای جامعه مشکل ساز است. مقننی که مجازات اعدام و یا حبس ابد و یا سایر مجازاتها را در نظر می گیرد آیا هیچ وقت از متهمی که به اتهام قاچاق یا استعمال تحت تعقیب قرار می گیرد سؤال می کند که چرا به این کار دست زده است، آیا برای او در جامعه امکان اشتغال به شغلی شرافتمندانه وجود داشته است. محکوم علیهی که تنبه حاصل

نموده و سعی دارد زندگی شرافتمندانه‌ای در پیش بگیرد از چه تأمیناتی برخوردار است آیا می‌تواند اعاده حیثیت حاصل کند و مشغول کار شود. خانواده آنان چه وضعیتی پیدا می‌کنند و در چه محیطی تربیت می‌شوند و به کدامین راه سوق داده می‌شوند؟ قانونی که پدر خانواده را از بین می‌برد باید سمت جانشینی پدر را برعهده بگیرد و ... بحث‌هایی است که اگر در تصویب قانون مدنظر قرار نگیرد تنها برای چند صباحی ممکن است کارائی داشته باشد. برای مبارزه علیه ناهنجاریهای اجتماعی به معنی اعم و جرم به معنی اخص کلمه، تنها سیاست کیفری کفایت نمی‌کند باید سیاست جنائی نیز مدنظر قرار گیرد.

سیاست جنائی در دو مفهوم مضیق و موسع مورد بحث قرار می‌گیرد. در مفهوم مضیق سیاست جنائی همان سیاست کیفری است. «فوئرباخ که برای نخستین بار در پایان سده هجدهم میلادی آن را به کار برده است در این باره معتقد است «سیاست جنائی عبارت است از تدبیر و چاره‌اندیشی حکومت قانونمند»^۱ به عبارت دیگر به نظر وی سیاست جنائی عبارت است از «حکمت تقنینی دولت» و «مجموعه روشهای سرکوب‌کننده که دولت به وسیله آن در مقابل جرم واکنش نشان می‌دهد»^۲ و از این منظر سیاست جنائی در معنایی معادل حقوق کیفری یا سیستم کیفری است که مبتنی بر جرم، مجازات و قانون می‌باشد. و از نظر جمعی دیگر از اهل فن که نگاهی جرم‌شناسانه به زوایا و جوانب مختلف مسأله جرم و مجازات داشته‌اند سیاست جنائی را مترادف و معادل یا بخشی از جرم‌شناسی تلقی کرده‌اند بر این اساس فن‌لیست گفته است «سیاست جنائی سازماندهی عقلی مبارزه علیه جنایت بر پایه داده‌های دانش جرم‌شناسی است»^۳ ولی در مفهوم موسع سیاست جنائی در سطح

۱- ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، سیاست جنائی نوشته کریستین لازرژ (تهران: نشر یلدا،

۱۳۷۵) ص ۲۲.

۲- دکتر سیدمحمد حسینی، مجله کانون وکلا، سیاست جنائی (مفاهیم، مدلها) شماره ۱۱، صفحه ۱۵۴.

۳- دکتر سیدمحمد حسینی، همان ص ۱۵۶.

معادل لغوی یا اصطلاحی توصیفی برای حقوق کیفری یا جرم‌شناسی محدود نمانده و خود مفهومی مستقل و رشته مطالعاتی نوین شناخته می‌شود. که کاملترین تعریف در این مورد از آن خانم دلماس مارتی است و با مقایسه این تعریف با تعریف فوئرباخ به‌خوبی می‌توان بسط و گسترش قلمرو سیاست جنائی را مشاهده کرد. خانم دلماس - مارتی خود ابعاد مختلف این امتداد و توسع را بیان نموده‌است:

«از روشهای فقط سرکوبگر به تمامی «روشها» خصوصاً روشهای مبتنی بر جبران خسارت یا میانجیگری: از «دولت» به «بدنه اجتماعی» به تمامی به شرط این که بدنه اجتماعی پاسخهای خود را سازماندهی کرده باشد. با این شرط پاسخهای کاملاً موردی و منقطع که توسط جامعه پذیرفته نشده‌است از تعریف خارج شده پاره‌ای دیگر از عملکردهای جامعه مدنی از قبیل فعالیتهای تشکیلات ملیشاهای خصوصی یا شبکه‌های میانجیگری در آن داخل می‌گردد. از «واکنش» به «پاسخ‌دهی»، تا این که در کنار پاسخ عکس‌العملی (موخر از پدیده مجرمانه)، پاسخ پیشگیرانه (مقدم بر پدیده مجرمانه) نیز در بر گرفته شود و بالاخره از «جرم» به «پدیده مجرمانه»، در معنایی عام و فراگیرنده هرگونه رفتار متضمن تخلف از هنجارها، جرم باشد یا انحراف»^۱.

«مسأله مهم در زمینه سیاست جنایی قابلیت اجراء و کار آمد بودن نوع استراتژی است که انتظار می‌رود پیشگیرنده و سرکوبگرانه باشد»^۲ از این رو تفکیک بین انواع مختلف سیاست جنایی لازم می‌باشد. چه همان‌گونه که می‌دانیم سیاست جنایی به تقنینی، قضائی، اجرایی و مشارکتی تقسیم می‌شود.

در سیاست جنائی تقنینی از پاسخهای سازمان یافته مقنن در قبال پدیده مجرمانه و استراتژیهای منسجم اتخاذ شده به‌وسیله قانونگذار بحث می‌شود.

در سیاست جنائی قضائی از نحوه برخورد دستگاهها و مراجع قضائی با پدیده

۱- دکتر سیدمحمد حسینی، همان، ص ۱۵۹.

۲- دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، همان، ص ۸۹.

مجرمانه بحث می‌شود. سیاست جنائی اتخاذ شده به وسیله مراجع قضائی خودممکن است به پیشگیری از جرم کمک کند یا برعکس باعث افزایش بزهکاری شود. اقدامهای مربوط به غیرقضائی ساختن و کیفرزدائی نیز در این قالب قابل بحث است.

در سیاست جنائی اجرایی از نقش سازمانهای دولتی در زمینه پیشگیری از جرم و اقدامات حمایتی مربوط به دوران پس از محکومیت بحث می‌شود.

در سیاست جنائی مشارکتی که در حال حاضر می‌توان گفت بارزترین وجه مشخصه يك سیاست جنائی ایده‌آل را تشکیل می‌دهد از نقش مردم در زمینه مبارزه با پدیده مجرمانه بحث می‌شود. به عبارت دیگر پیشنهاد سیاست جنائی مشارکتی یا سیاست جنائی توأم با شرکت وسیع جامعه، یعنی در نظر گرفتن آثار ضرورت حیاتی ایجاد اهرمهای تقویتی دیگری به غیر از پلیس یا قوه قضائیه به منظور اعتبار بخشیدن بیشتر به يك طرح سیاست جنائی است که به وسیله قوه مجریه و قوه مقننه تهیه و تدوین می‌گردد.

با این مقدمه به بررسی تحولات سیاست جنائی ایران در قلمرو مواد مخدر از سال ۱۳۷۹ - ۱۳۸۹ می‌پردازیم و مطالب مربوط را در دو قسمت قبل و بعد از انقلاب مورد بحث قرار می‌دهیم.

مبحث اول: دوران قبل از انقلاب

همانطور که گفته شد در دوران قبل از انقلاب به طور مطلق نمی‌توان از سیاست جنائی یکدست و یکنواخت دولت در مبارزه با مواد مخدر صحبت نمود. چون در برهه‌ای از زمان این سیاست نه تنها جنبه مبارزه‌ای نداشته است، بلکه جنبه تشویقی نیز داشته است. از این رو سیاست دوران قبل از انقلاب را به دو قسمت **سیاستها یا**

اقدامهای غیر کیفری و سیاستها یا اقدامهای کیفری تقسیم و به ارائه توضیحاتی درباره هر يك می پردازیم.

الف: اقدامهای غیر کیفری:

اقدامهای غیر کیفری را می توان به دو دسته تشویقی و مبارزه ای تقسیم نمود.

۱- سیاستهای مبتنی بر تشویق:

به طور کلی بحث تصویب مقرراتی در خصوص مواد مخدر چه در جهت تنظیم و تنسيق امور مربوط به آن به وسیله دولت و چه مسأله و نحوه و محدوده مبارزه با آن چه به شکل مجرمانه و چه به شکل غیر مجرمانه آن در ایران از بعد از کنفرانس شانگهای که در سال ۱۹۰۹ میلادی با حضور نمایندگان ۱۳ کشور جهان در بندر شانگهای چین برگزار شد مطرح گردید. به دنبال برگزاری این کنفرانس و يك سال پس از آن اولین قانون مدون در خصوص مواد مخدر در ۱۲ ربیع الاول سال ۱۳۲۹ هجری قمری به تصویب رسید. این قانون که در ظاهر برای مبارزه با مواد مخدر تصویب شده بود و عنوان آن یعنی «قانون تحدید تریاک» چنین القا می نمود که دولت در صدد مبارزه با مواد مخدر است در عمل به منبع درآمد عمده ای برای دولت تبدیل شد. بدین توضیح که طبق این قانون برای هر مثقال تریاک مالیده ۳۰۰ دینار مالیات وضع شد و «روح حاکم بر این قانون و شرایط مندرج در آن به گونه ای بود که در سال ۱۳۰۵ شمسی ۸٪ درآمد دولت از راه فروش شیره مطبوع به اشخاص معتاد و مصرف کنندگان تریاک تأمین می شد».^۱

در این قانون مدت ۷ سال مهلت برای ترك اعتیاد معتادان در نظر گرفته شده بود و مأمورین مالیه مأمور شده بودند اسامی استعمال کنندگان شیره تریاک را تهیه و بعد

از طی مراحل مقدار مواد لازم را به آنها تحویل بدهند همچنین براساس این قانون تریاک صادره تحت عنوان تجارت از این مالیات مستثنی شده بود. تحویل شیره مطبوع در قبال دریافت ۳ عباسی بابت هر مثقال صورت می‌گرفت و متقابلاً مأمورین مکلف بودند هر مثقال سوخته تریاک را ۳ شاهی از معتادین بخرند. این قانون در سال ۱۲۹۳ شمسی اصلاح و حق الزحمه تحویل سوخته از مثقالی ۳ شاهی به ۱ شاهی تقلیل یافت.

خرید هر مثقال سوخته تریاک به قیمت هر ۳ شاهی را می‌توان از جنبه‌های تشویقی قانون تحدید تریاک تلقی کرد. بدین توضیح که کسانی که به استعمال مواد مخدر عادت پیدا کرده بودند قسمتی از هزینه‌های مصرفی خود را از طریق پس دادن سوخته به دولت در قبال دریافت ۳ شاهی تأمین می‌کردند.

پس از قانون اصلاحی سال ۱۲۹۳ قانون منع واردات مواد مخدر به ایران در سال ۱۳۰۱ تصویب می‌شود و ظاهراً علت تصویب این قانون شروع قاچاق کوکائین و مرفین در سال ۱۳۰۰ شمسی به ایران بوده است.^۱ این قانون که صرفاً ورود مواد مخدر را به ایران ممنوع کرده بود در زمینه ممنوعیت یا تحدید تولید آن در داخل هیچ حکمی نداشت و کشتکاران مواد مخدر از جمله تریاک، به تولید آن ادامه می‌دادند و مأمورین وزارت دارائی نیز به کار تهیه شیره مطبوع و تأمین نیاز معتادان می‌پرداختند. «در این زمان اقتصاد ایران وابستگی شدیدی به تریاک پیدا کرده و تریاک بعد از نفت که توسط کارتل‌های انگلیسی به غارت می‌رفت مهمترین کالای صادراتی ایران بود».^۲ جواز تولید مواد مخدر در داخل کشور جامعه بین‌المللی را نهایتاً بر آن داشت که به دولت ایران برای تحدید تولید آن فشار وارد آورند به نحوی که در گزارش هیأت تحقیق در ژنو توسط جامعه ملل دولت ایران را صریحاً عامل فساد و اعتیاد و

۱- محمدحسین شهیدی، همان ص ۶۵.

۲- محمدحسین شهیدی، همان ص ۶۵.

مسئول تأمین تریاک برای معتادان سایر نقاط دنیا قلمداد کرد.^۱ به دنبال این فشارهای بین‌المللی بود که در سال ۱۳۰۷ قانون انحصار دولتی تریاک به تصویب رسید. از تاریخ تصویب این قانون کلیه معاملات، نگهداری، انبار کردن، تهیه و تدارک، حمل و نقل و صدور تریاک، شیر و چونه اعم از مصرف داخلی و خارجی در انحصار دولت قرار گرفت و مالک مکلف شد قبل از شروع به کشت تریاک اظهارنامه به اداره مالیه محل بدهد و صاحبان شیر مکلف شدند شیرها را به انبارهای وزارت مالیه داده و قبض رسید دریافت کنند و معتادان نیز مکلف شدند در قبال اخذ تریاک و سوخته وجهی بپردازند دولت می‌توانست جواز صدور تریاک به خارج از کشور را بفروشد. ورود تریاک از سرحدات ممنوع و در صورت نداشتن مجوز از مؤسسه انحصار تریاک این ممنوعیت در حکم قاچاق تلقی شد بدون آنکه برای آن مجازات و یا حتی ضمانت اجرای دیگری تعیین شود. همچنین پیش‌بینی شد که دولت با نظارت بر کشت از سال ۱۳۰۸ به میزان $\frac{1}{4}$ سالانه از مصرف داخلی کم کند تا در پایان مدت استعمال تریاک در غیر از موارد جعلی ممنوع شود. براساس این قانون یک برنامه ده ساله جهت تریاک اعتیاد معتادان تهیه شد و مؤسسه‌ای بنام مؤسسه انحصار دولتی تریاک به سرپرستی یک انگلیسی تأسیس و ضمن اداره انحصار خرده‌فروشی، تهیه و توزیع شیر مطبوع را نیز برعهده گرفت پس از این بود که شیردکشانهای زیادی راهاندازی شد و هر روز بر تعداد آنها افزوده می‌شد. گفتنی است که در آن زمان به شیردکشانها «دارالعلاج» و «شفاخانه» می‌گفتند و آثار تسکینی و دارویی تریاک مهمترین ابزار تبلیغاتی مؤسسه مذکور و سایر مروجین اعتیاد بود و به نحو عمیقی در فرهنگ مردم جای گرفت.^۲ علی‌رغم ظاهر این قانون که جهت تحدید تولید تریاک تصویب شده بود «پس از تصویب قانون مزبور سیر صعودی تولید تریاک از ۲۹۱ تن در سال ۱۳۰۸ به ۴۴۸ تن

۱- نشریه مربوط به همایش ابعاد بین‌المللی مواد مخدر در زمینه مسائل قضائی ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری ص ۲۳۱.

۲- نشریه مربوط به همایش ابعاد بین‌المللی مواد مخدر ... ص ۲۳۱.

در سال ۱۳۱۷ رسید.^۱ از سوی دیگر سیاست مالیاتی اراضی زیر کشت خشخاش (ماده ۲۰ قانون انحصار دولتی تریاک در سالهای ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ شمسی تغییر یافت و مالیاتهای سنگین به معافیت‌های مالیاتی تبدیل و به بروز اختلاف قیمت تریاک در شهرها و روستاها و گسترش قاچاق منجر شد. لذا دولت وقت سازمانی به نام قراسوران و پست بازرسی ایجاد نمود تا از محموله‌های ارسالی از روستاها به شهرها عوارض بگیرند. قانون ۱۳۱۳ (نظامنامه هیأت وزیران) که بعداً توسط برخی از تحلیل‌گران به «قانون انتحار» مشهور شد بی‌شبهات به یک قانون تشویقی برای قاچاق تریاک نبود زیرا کشاورزان هر قدر می‌خواستند خشخاش می‌کاشتند و تریاک را مخفی می‌کردند و در مواقع مناسب آنها را به دلان و قاچاقچیان تحویل می‌دادند و یا برای فروش با قیمت مضاعف در شهرها عرضه می‌کردند یکی دیگر از آثار سوء این قانون هرج و مرج کامل در میزان کشت خشخاش، پر شدن انبارهای دولتی و عرضه فراوان و اختلاف قیمت در شهرها و روستاها بود.^۲

۲- اقدامهای مبتنی بر مبارزه غیرکیفری:

تداوم فشارهای بین‌المللی دولت را بر آن داشت که کشت خشخاش را در ۲۲ شهر ایران ممنوع اعلام کند و علت آن را پر شدن انبارهای تریاک این شهرها اعلام کردند. در سال ۱۳۲۲ نیز یک تشکل مردمی به نام انجمن مبارزه با تریاک و الکل تأسیس شد. لذا جو فرهنگی، اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای علیه اعتیاد و فساد ایجاد شد و متقابلاً دولتمردان نیز با کم‌اهمیت دادن تعداد معتادین و اعلام وابستگی اقتصاد کشور به تریاک درصد پاسخگوئی برمی‌آمدند. فشار ناشی از جو اجتماعی - فرهنگی و سیاسی موجود در جامعه و جامعه بین‌المللی ناشی از عدم الحاق ایران به قرارداد

۱- علی‌اکبر سفیدپور، اثرات اجتماعی تریاک، چاپ دانشگاه پلیس، ۱۳۴۱.

۲- محمدحسین شهیدی، همان ص ۷۶.

بین‌المللی ۱۹۲۵ ژنو دولت ایران را بر آن داشت که در سال ۱۳۲۴ شمسی به این قرارداد ملحق شود.

در تصویب‌نامه شماره ۱۳۲۸ مصوب ۱۳۲۵ نیز هیأت وزیران تشکیل کمیسیون مبارزه با تریاک را مرکب از وزرای بهداری به نمایندگی نخست‌وزیر - نماینده دارائی، نماینده انجمن مبارزه با تریاک در بهداری اعلام کرد. این کمیسیون خود دارای سه کمیسیون فرعی بود.

۱. کمیسیون منع کشت خشخاش

۲. کمیسیون درمان

۳. کمیسیون مبارزه با قاچاق

ده ماه بعد از تصویب‌نامه منع کشت خشخاش، مبارزه با قاچاق و درمان معتادان تصویب‌نامه شماره ۲۸۸۱ در سال ۱۳۲۶ به تصویب رسید. در این تصویب‌نامه برخلاف تصویب‌نامه قبلی کشت خشخاش قانونی اعلام شد و ضمن ترویج کشت خشخاش، صادرات نیز به خارج از کشور افزایش یافت و از ۵۰ تن در سال ۱۳۲۵ به ۱۵۴ تن در سال ۱۳۲۶ رسید.^۱

در سال ۱۳۳۱ لایحه قانونی تهیه وسایل مبارزه با قاچاق و تشویق مخبرین و کاشفین تصویب و مقررات تصویب‌نامه ۱۳۲۶ را تا حدی تعدیل کرد تا این که مجدداً در اثر فشارهای بین‌المللی و پیگیریهای انجمن ملی مبارزه با تریاک و الکل و جلب پشتیبانی تعدادی از نمایندگان مجلس شورای ملی قانون منع تهیه و خرید و فروش و مصرف نوشابه‌های الکلی و تریاک و مشتقات آن در ۱۹ بهمن ۱۳۳۱ به تصویب مجلس رسید. براساس این قانون فروش تریاک تا ۶ ماه برای مصرف معتادان بر طبق تجویز پزشک و تأیید دولت مجاز و وزارت بهداری و شهرداری مکلف شدند وسائل معالجه معتادان را فراهم سازند و تهیه و خرید و فروش تریاک و مشتقات آن را نیز طی ۶ ماه

پس از تصویب قانون (بهمن ۱۳۳۱) ممنوع و از سال ۱۳۳۳ به بعد کشت خشخاش را نیز ممنوع کند. در سال ۱۳۳۱ نیز تصویب‌نامه هیأت وزیران راجع به خرید و جمع‌آوری شیر تریاک از کشتکاران به تصویب رسید. ولی این مقررات نیز کاری از پیش نبرد تا اینکه در سال ۱۳۳۴ قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک تصویب شد. تصویب این قانون و شدت عمل در نحوه اجرای آن باعث شد امکان کشت خشخاش جز در مناطق دور افتاده از بین برود. ولی نتیجه طبیعی ممنوعیت کشت خشخاش در ایران افزایش تولید آن در کشورهای همسایه و وارد کردن آن به ایران بود که عملاً بازار پرسودی را برای قاچاقچیان داخلی و خارجی به وجود آورد. در همان سال کمیسیون برنامه تصمیم مربوط به برنامه علمی کمک به زارعین خشخاش جهت تغییر کشت را به تصویب رساند و در آیین‌نامه اجرائی و طرز مجازات متخلفین از قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب ۱۳۳۴ نیز استعمال مواد افیونی بدون مجوز طبی ممنوع شد و نیز پیش‌بینی شد که کارکنان دولت که معتاد باشند بعد از مهلت قانونی و عدم ترك اعتیاد از کار برکنار می‌شوند.

در سال ۱۳۳۶ نیز قانون الحاق ایران به پروتکل تحدید و تنظیم کشت خشخاش و تولید تجارت بین‌المللی و تجارت عمده مصرف تریاک به تصویب رسید ولی بلافاصله در سال ۱۳۳۷ قانون راجع به حذف ماده واحده قانون الحاق دولت شاهنشاهی به پروتکل تحدید تنظیم کشت خشخاش و تولید و تجارت بین‌المللی و تجارت عمده مصرف تریاک به تصویب رسید.

در سال ۱۳۳۸ نیز قانون راجع به اجازه تهیه وسایل مبارزه با قاچاق و تشویق کاشفین (درخصوص اجازه خرید وسائط نقلیه دریائی و زمینی و هوائی و وسایل استخبار و سایر لوازم مبارزه با قاچاق) به تصویب رسید.

متأسفانه در سال ۱۳۴۷ قانون اجازه کشت محدود خشخاش و صدور تریاک به خارج از کشور به تصویب رسید. در توجیه تصویب این قانون گفته شد چون

خشخاش در کشورهای همسایه کشت می‌شود در ایران نیز کشت شود ولی برای این که دامنه کشت خیلی وسیع نباشد فقط به‌طور انحصاری و با مجوز دولت در برخی مناطق این امر امکان‌پذیر شد.

در سال ۱۳۴۹ نیز قانون اجازه معاملات تریاک برای کمک به درمان معتادان به‌تصویب رسید و در سال ۱۳۵۰ به‌منظور تشویق کاشفین و مأمورین آئین‌نامه مربوط به پرداخت حق‌الکشف کاشفین مواد مخدر و پاداش مأمورین به‌تصویب رسید. در سال ۱۳۵۱ با تصویب قانون الحاق ایران به ماده واحده مواد مخدر مصوب ۱۹۶۱ نیویورک اولین کوشش بین‌المللی جهت مبارزه با مواد مخدر را به‌عمل آمد. اگرچه کنوانسیون ۱۹۶۱ از حیث جرم‌شناختن اعمال موردنظر و نیز همکاری و معاضدت قضائی بین‌المللی هنوز در مراحل اولیه سیر می‌کرد و با نگاهی امروزی حاوی مقرراتی جامع نبود اما توجه به استرداد و مقامات صالح به‌رسیدگی و کشور صالح و نیز ایجاد تشکیلات لازم از جمله دستاوردهای این کنوانسیون بود.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که مقنن در قبل از انقلاب در بخش اقدامهای غیرکیفری خود در قبال مواد مخدر هم از سیاست تشویق استفاده کرده و هم از سیاست مبارزه و این امر نشان می‌دهد که در این زمینه از سیاست ثابتی تبعیت نمی‌کرده‌است.

ب: اقدامهای کیفری:

اولین مقررۀ جزائی درباره مواد مخدر در فصل پانزدهم قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ طی ماده ۲۷۵ قانون مزبور به‌تصویب رسید. در ماده مزبور آمده‌بود هر کس متجاهراً استعمال مسکرات یا افیون یا شیرۀ تریاک یا مرفین یا چرس بنماید به‌حبس تأدیبی از ۸ روز تا سه ماه یا به تأدیه غرامت از ۱۰ تومان تا ۵۰ تومان محکوم خواهدشد. چنانکه ملاحظه می‌شود این ماده اولاً فقط استعمال علنی مواد موردنظر را

جرم شناخته بود. ثانیاً ناظر به همه انواع مواد مخدر نبود. تا اینکه در سال ۱۳۲۸ ماده ۲۷۵ قانون مجازات عمومی اصلاح و در پنج بند مقرراتی پیش‌بینی کرد.

۱- هر کس علناً استعمال تریاک یا شیرۀ تریاک یا مرفین یا هروئین یا کوکائین یا بنگ و یا چرس بنماید و یا متجاهراً مشروبات الکلی استعمال کند به حبس تأدیبی از سه ماه تا ۶ ماه محکوم خواهد شد.

۲- دایر کردن شیرۀ کشخانه و پیالۀ فروشی برای استعمال مشروبات الکلی و دایر کردن محل برای استعمال بنگ و چرس ممنوع است و مرتکب به ۶ ماه تا ۳ سال حبس تأدیبی محکوم می‌شود.

۳- کلیه ادوات و آلات و اثاثیه مربوط به تریاک و شیرۀ کش و قمار و مرفین و هروئین و بنگ و چرس و کوکائین که در اماکن عمومی موجود باشد از طرف ضابطین دادگستری توقیف و دادگاه مکلف است ضمن حکم خود دستور از بین بردن اشیای مزبور و لدی‌الاقتضاء ضبط آنها را بدهد.

۴- اشخاصی که در قمارخانه یا پیالۀ فروشی یا در اماکنی که برای استعمال شیرۀ یا تریاک یا مرفین یا کوکائین یا بنگ یا چرس دایر گردیده قبول خدمتی کرده یا در دایر کردن آنها به نحوی از انحاء شرکت یا کمک بنماید از قبیل پرداخت هزینه محل یا کرایه دادن اثاثیه معاون جرم محسوب خواهند شد.

۵- هرگاه اشخاص مذکور در بند چهارم مطلع بوده و مراتب را به دادسرا اطلاع ندهند به حبس تأدیبی از سه ماده تا یک سال محکوم می‌شود. همین مجازات درباره مأمورین مذکور مقرر است در صورتی که گزارش برخلاف واقع داده باشند.

در قانون مجازات مرتکبین قاچاق تریاک مصوب ۱۳۰۷ نیز برای حمل‌کننده تریاک مجازات ضبط و جزای نقدی پیش‌بینی شد و در صورتی که حمل با وسائط نقلیه صورت می‌گرفت و حامل ناتوان از تعیین ارسال‌کننده بود تریاک ضبط و جریمه شخصاً توسط وی پرداخت می‌شد و اگر صاحب تریاک معلوم می‌شد و نیز متصدی

حمل و نقل عالم به قاچاق بودن تریاک بود، تریاک ضبط و صاحب آن جریمه و حامل زندانی می‌شد.

در قانون اصلاح قانون انحصار دولتی تریاک مصوب ۱۳۱۱ نیز مجازات جزای نقدی و حبس برای دایر کردن شیردکشانخانه و فراهم کردن وسایل استعمال شیردکشان مطبوع پیش‌بینی شده بود و همچنین برای عدم ارائه شیردکشان به انبار دولتی مجازات نقدی پیش‌بینی شده بود.

در قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ نیز در مواد ۲۰ تا ۲۵ مقرراتی در باب مواد مخدر پیش‌بینی شده بود و عدم ارائه شیردکشان به انبار و حمل تریاک و داشتن اسباب و ادوات مخصوص شیردکشان و یا چراغ و آلات استعمال شیردکشان ادوات مخصوص تریاک مالی و دایر کردن شیردکشانخانه و وسائل استعمال شیردکشان جرم شناخته شده و مجازات حبس و جزای نقدی پیش‌بینی شده بود.

در نظامنامه تجدید ساخت و توزیع ادویه مخدر نیز وارد کردن، خارج کردن و خرید و فروش، توزیع و ساخت مواد مخدر جز در موارد مقرر قانونی جرم تلقی و مجازات جزای نقدی و حبس پیش‌بینی شده بود.

در تصویب‌نامه شماره ۳۸۸۱ مصوب ۱۳۲۶ نیز کلیه شیردکشانخانه‌ها و پیاله‌فروشیها و قمارخانه‌هایی که در آن استعمال وافور می‌شد از امکانه محل امنیت محسوب و افتتاح آنها ممنوع شده بود.

در آیین‌نامه اجرائی و طرز مجازات متخلفین از قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب ۱۳۳۴ کشت خشخاش مستوجب امحای کشت، حبس تأدیبی و جریمه نقدی و در صورت تکرار عمل جریمه به حبس تأدیبی و یا مجرد تبدیل می‌شد و ورود مواد افیونی به کشور یا تهیه آنها موجب ضبط عین مواد، حبس مجرد و جریمه نقدی بود. استفاده از اماکن عمومی برای استعمال مواد افیونی موجب حبس تأدیبی و جریمه نقدی و ضبط و معدوم‌سازی آلات و ادوات استعمال بود. استعمال و تزریق

مواد افیونی بدون مجوز طبّی به دیگری موجب حبس تأدیبی و نگهداری یا خرید و فروش یا حمل مواد افیونی به داخل کشور موجب ضبط عین مال و حبس تأدیبی و جریمه نقدی بود.

مقنن در سال ۱۳۳۸ بار دیگر قانون را اصلاح کرد و قانون منع کشت خشخاش و استعمال مواد افیونی را به تصویب رساند. همچنین در سال ۱۳۳۸ همانند مقررات سابق مواد افیونی را به دو دسته تریاک و مشتقات تریاک تقسیم کرد. سازنده یا واردکننده مواد مخدر به حبس موقت و جریمه نقدی محکوم می‌شد و در صورت تکرار محکوم به اعدام بود. یعنی برای اولین بار در این قانون مقنن شدت عمل به خرج (بیش از روال متعارف قبلی) داده و مجازات اعدام را به عنوان سنگین‌ترین مجازات تعیین کرده بود. تهیه، فروش، خرید و ... مواد مخدر موجب حبس موقت و جریمه نقدی و در صورت تکرار موجب حبس ابد و دایرکردن محل برای استعمال مواد مخدر و ... موجب جریمه نقدی و حبس مجرد بود مجازات معاون حداقل مجازات مباشر تعیین شد و هر کس قبول خدمت در این محلها می‌کرد به حبس تأدیبی محکوم می‌شد و اگر مرتکب مأمور بود حداکثر مجازات برای او معین می‌شد.

مخفی کردن و حمل مواد مخدر موجب حبس تأدیبی و جریمه نقدی بود. معتاد محکوم بایستی بستری شده و ترك اعتیاد می‌کرد. معرفی شخص به عنوان معتاد یا محلی معرفی کردن به عنوان مرکز قاچاق در صورت عدم صحت انتساب مستوجب تحقق افترا و حبس تأدیبی بود. خودروئی که با آن مواد حمل شده توقیف شده به ملکیت بهداری درمی‌آمد. شیره‌کشخانه و محل استعمال بعد از کشف بسته می‌شد. کشت خشخاش علاوه بر امحای کشت موجب حبس با اعمال شاقه و جریمه نقدی و در صورت تکرار عمل موجب حبس ابد بود. نگهداری و مخفی کردن بذر یا گرز خشخاش موجب حبس تأدیبی بود. کارمندان معتاد تا ترك اعتیاد از خدمت برکنار می‌شدند.

معتادان بایستی جهت معالجه خود را معرفی نموده و در صورت داشتن محکومیت در صورت ترك اعتیاد در دوران تحمل مجازات مستحق آزادی مشروط می‌بودند.

و در سال ۱۳۳۸ تصویب‌نامه راجع به فهرست مواد مخدر به تصویب می‌رسد که مبنای عمل از جهت تشخیص انواع مواد مخدر قرار می‌گیرد و در همان سال کمیسیون بودجه تصمیم می‌گیرد جهت تشویق کاشفین به کشف مواد مخدر صدی ده جریمه به عنوان پاداش به آنان تعلق گیرد.

مقنن در سال ۱۳۴۲ بار دیگر دست به اصلاحاتی در مقررات جزائی پیشین زد و قانون اصلاح قانون منع کشت خشخاش و استعمال مواد افیونی را در سال ۱۳۴۲ به تصویب رساند تا شاید با توجه بیشتر به هروئین و مرفین و تشدید مجازاتها مبارزه مؤثرتری نماید. در این قانون معین شد مجازات سازنده و واردکننده هروئین و مرفین اعدام است و در مورد تریاک بسته به میزان آن تا ۵۰۰ گرم موجب حبس تا ۱۰ سال و جزای نقدی و بالای ۵۰۰ گرم حبس ابد است.

در صورت تکرار جرم مجازات اعدام اجراء می‌شود ورود یا ساخت سایر مواد مخدر نیز موجب حبس تا ۱۵ سال و جزای نقدی است تهیه فروش یا عرضه مواد مخدر موجب تا ۱۵ سال حبس و جزای نقدی است. پنهان کردن یا حمل مواد مخدر موجب حبس تأدیبی تا سه سال و جزای نقدی است در این قانون چنانچه که ملاحظه می‌شود توجه به تشدید مجازاتها و علی‌الخصوص مسأله ازدیاد مصرف و توزیع هروئین و مرفین بوده است.

در سال ۱۳۴۸ قانون تشدید مجازات و اجازه توقیف مرتکبین جرائم خشخاش و... تصویب شد. از سویی در این قانون مجازاتها از قانون قبلی افزونتر و از سوی دیگر برخی تخفیفها نیز در آن قابل مشاهده است. در این قانون معین شد هرکس به‌طور غیرمجاز تریاک وارد کند یا بفروشد یا بیش از ۲ کیلو تریاک یا بیش از ۱۰ گرم

مرفین، هروئین یا کوکائین را به طور غیرمجاز نگهداری یا مخفی یا حمل کند اعدام و در مقادیر کمتر به حبس تا ۱۵ سال و جزای نقدی محکوم می‌شود. در ضمن در مواردی که مجازات جرم ارتكابی اعدام باشد دادگاه نظامی صلاحیت رسیدگی خواهد داشت. از این رو يك مشخصه بارز این قانون سلب صلاحیت از دادگاههای عمومی در خصوص جرائم مستوجب اعدام می‌باشد که برای دادگاههای نظامی که خارج از چارچوب دادگستری محسوب می‌شوند و از خصوصیات بارز آنها شدت عمل و سرعت عمل بود و تحت فرمان شاه انجام وظیفه می‌کردند برای رعایت مصالح مورد نظر حکومت صلاحیت رسیدگی ایجاد کرد.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که در دوران قبل از انقلاب نمی‌توان از سیاست جنائی به معنی و مفهوم واقعی کلمه صحبت کرد چون اولاً همان طوری که گفتیم موقعی می‌توان از سیاست جنائی صحبت کرد که عملی از طرف مقنن جرم شناخته شده باشد و یا حداقل از دید اجتماعی به عنوان انحراف اجتماعی شناخته شود در حالی که می‌دانیم تا مدت زمان زیادی اعمال مربوط به مواد مخدر در ایران نه تنها جرم محسوب نمی‌شد بلکه در میان مردم به عنوان يك انحراف اجتماعی نیز تلقی نمی‌شد. ثانیاً از زمانی که اعمال مربوط به مواد مخدر بعضاً جرم شناخته شد دولت کوشش واقعی برای مبارزه با آن اعمال مبذول نمی‌داشت بلکه سیاستهای دولت بعضاً به طور مستقیم و یا غیرمستقیم جنبه تشویقی نیز داشت ثالثاً در بعضی موارد هم که دولت قوانین شدید و غلیظ تصویب کرده است فقط جنبه مبارزه کیفری صرف بوده است لذا می‌توان از سیاست کیفری صحبت کرد تا سیاست جنائی.

از این رو باید ببینیم بعد از انقلاب نیز آیا رویه بدین منوال بوده است یا می‌توان از سیاست جنائی هم بحث کرد.

مبحث دوم: دوران بعد از انقلاب

در بررسی وضعیت بعد از انقلاب ابتدا مسأله مربوط به صلاحیت دادگاهها را مطرح می‌کنیم و سپس از سیاست جنائی تقنینی و عملی و قضایی و ... بحث خواهیم کرد.

الف: صلاحیت دادگاهها

بند ۵ ماده ۲ آیین‌نامه دادگاهها و دادرهای انقلاب مصوب ۱۳۵۸/۳/۲۷ جرائم ساختن، واردکردن و یا پخش مواد مخدر را در صلاحیت دادگاههای انقلاب قرارداد و تبصره همین ماده مقرر داشت رسیدگی به جرائم خارج از موارد مشروحه فوق در صلاحیت دادگاههای انقلاب اسلامی نیست و در صلاحیت دادگاههای دادگستری یا نظامی می‌باشد.

از این رو ملاحظه می‌شود علی‌رغم این که آیین‌نامه نمی‌تواند برای دادگاهی ایجاد صلاحیت نماید و در این آیین‌نامه برای دادگاههای انقلاب ایجاد صلاحیت شده‌است ولی صلاحیت ایجادشده فقط محدود به سه مورد ساختن واردکردن و یا پخش مواد مخدر بوده‌است و در سایر موارد باید طبق قانون تشدید مجازات و اجازه موقوفی تعقیب مرتکبین جرائم خشکاش و ... مصوب ۱۳۴۸ عمل می‌شد تبصره ماده ۵ آیین‌نامه نیز بر این امر تصریح داشت یعنی جرائم مستوجب مجازات اعدام در غیر از موارد ساختن، واردکردن یا پخش مواد مخدر به دادگاههای نظامی و در سایر موارد به دادگاههای دادگستری ارجاع می‌شد.

بلافاصله بعد از آیین‌نامه فوق‌الاشعار لایحه قانونی تشکیل دادگاه فوق‌العاده رسیدگی به جرائم ضدانقلاب مصوب ۱۳ تیر ۱۳۵۸ به تصویب رسید و بند ۷ ماده ۵۴ لایحه قانونی مزبور یکی از موارد صلاحیت این دادگاه را رسیدگی به جرائم

مذکور در قانون تشدید مجازات مرتکبین اصلی جرائم مندرج در قانون اصلاح قانون منع کشت خشخاش و اجازه موقوفی تعقیب و اجرای مجازات سایر مرتکبین جرائم مذکور مصوب سی و یکم خرداد ۱۳۴۸ جز قسمت دوم بند ه همان قانون قرارداد.

در تاریخ ۵۹/۲/۲۸ نیز لایحه قانونی راجع به تشکیل هیأت تشخیص صلاحیت برای رسیدگی به پرونده‌های مربوط به مواد مخدر به تصویب رسید در مواد ۱ و ۲ لایحه پیش‌بینی شد به وزارت دادگستری اجازه داده می‌شود يك «هیأت تشخیص صلاحیت» برای رسیدگی و ارجاع پرونده‌های مربوط به مواد مخدر که تاکنون درباره آنها حکم صادر نشده است به دادرای انقلاب یا دادرای عادی تشکیل دهد. هیأت تشخیص صلاحیت می‌تواند علاوه بر آنچه در آیین‌نامه دادگاهها و دادرای انقلاب مصوب ۵۸/۳/۲۷ پیش‌بینی شده است در مواردی نیز که لازم بداند پرونده‌های مربوط به اخفاء، حمل، خرید، فروش و پرونده‌های دیگر مواد مخدر را به دادگاههای انقلاب ارجاع نماید.

در تاریخ ۱۳۵۹/۳/۱۹ نیز لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرائم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به منظور مداوا و اشتغال به کار معتادان به تصویب رسید و رسیدگی به جرائم مندرج در این قانون را به عهده مراجع دادگستری و مراجع صالح قرارداد. ماده ۲۵ این قانون نیز کلیه قوانین و مقررات قبل از انقلاب غیر از تصویب‌نامه راجع به فهرست مواد مخدر را نسخ کرد. به این ترتیب صلاحیت رسیدگی به جرائم مستوجب اعدام را از دادگاههای نظامی سلب و به دادگاههای دادگستری و دادگاههای انقلاب واگذار کرد. تا این که در تاریخ ۶۳/۲/۱۱ قانون رسیدگی به کلیه جرائم مربوط به مواد مخدر را در صلاحیت دادگاههای انقلاب قرارداد.

در سال ۱۳۶۸ در يك اقدام تعجب‌انگیز با الحاق ماده ۳۲ مکرر به مصوبه مبارزه با مواد مخدر مصوب ۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام به تاریخ ۶۸/۵/۱۰

مقرر شد آن دسته از دادیاران و دادستانها سرپرستان دادرشاهی که رئیس قوه قضائیه آنها را صالح بدانند می‌توانند درخصوص اتهامات موضوع مواد ۱۶ و ۱۷ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیدگی و براساس مواد مذکور حکم صادر نمایند؛ بالاخره آخرین متن قانونی مربوط به صلاحیت درباره جرائم مواد مخدر بند ۵ ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ می‌باشد که رسیدگی به کلیه جرائم مربوط به مواد مخدر را در صلاحیت دادگاههای انقلاب قرار داده‌است. تردیدی نیست که دادگاههای انقلاب از نظر این قانون يك دادگاه اختصاصی می‌باشند و تردیدی نیست که از ویژگیهای دادگاههای اختصاصی شدت عمل و سرعت عمل است که هر دو در نهایت به تضییع حقوق دفاعی متهمین منجر می‌شود مضافاً به اینکه از نظر قانون اساسی نیز که فقط به يك دادگاه اختصاصی اشاره کرده‌است (دادگاه نظامی) در مورد مغایرت وجود این دادگاه با قانون اساسی بحثهای اساسی نیز وجود دارد.

ب: سیاست جنایی تقنینی

از جهت تقنینی مقررات بعد از انقلاب درخصوص تریاک و مشتقات آن یا هروئین و مشتقات آن در قانون تشدید مجازات مرتکبین جرائم مواد مخدر و... نسبت به قانون تشدید مجازات مجرمین مواد مخدر مصوب ۱۳۴۸ شدت عمل بیشتری را به خرج داد. چون در قانون سال ۴۸ برای نگهداری غیرمجاز بیش از ۲ کیلو تریاک یا حمل یا اخفای بیش از ۲ کیلو تریاک و بیش از ۱۰ گرم مرفین و هروئین یا کوکائین مجازات اعدام تعیین شده بود ولی در قانون سال ۱۳۵۹ این میزان در مورد تریاک به بیش از يك کیلوگرم و در مورد هروئین به بیش از ۵ گرم کاهش یافت علاوه براینکه اولاً در قانون سال ۱۳۴۸ اعدام فقط ناظر به حمل، نگهداری و اخفاء بوده ولی در قانون سال ۵۹ به همه موارد منجمه ساختن، واردکردن، فروختن، در معرض فروش گذاشتن و...

گسترش یافت ثانیاً در مورد فروش، وارد کردن، ساختن و... حد نصابی پیش‌بینی نشد و ظاهر مواد ۶ و ۷ قانون سال ۵۹ نشان می‌دهد که کوچکترین میزان ماده مخدر نیز که مورد فروش ساخت و... قرار بگیرد مستوجب اعدام می‌باشد سایر مجازات‌ها غیر از اعدام نیز نسبت به قبل از انقلاب افزایش یافت این افزایش مجازات‌ها از این طرز تفکر نادرست ناشی می‌شد که افزایش مجازات موجب ریشه‌کن شدن این جرائم خواهد شد و از این رو موارد اعدام در عمل نیز افزایش یافت تصویری که باطل بودن آن در عمل به اثبات رسید. مصوبه مبارزه با مواد مخدر مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز تقریباً با همین طرز تفکر به تصویب رسید ولی به نظر می‌رسد نسبت به قانون سال ۱۳۵۹ از جهت مجازات‌های مقرر تا حدی متعادل‌تر باشد چون حد نصاب موردنظر در قانون ۵۹ در مورد هروئین و... از ۵ گرم به ۳۰ گرم افزایش یافت و در مورد تریاک و... نیز این حد نصاب از بیش از یک کیلوگرم به ۵ کیلوگرم و بیشتر افزایش یافت و این افزایش حد نصاب طبیعتاً موارد کمتری را مشمول مجازات اعدام قرار می‌داد و دیگر آنکه در تبصره ماده ۴ و تبصره ۱ ماده ۸ برای مرتکبینی که برای بار اول مرتکب جرم مستوجب اعدام می‌شوند با رعایت شرایطی مجازات حبس ابد تعیین نمود. این مصوبه نیز در سال ۱۳۷۶ اصلاح و درخصوص مجازات اعدام جرح و تعدیلهایی را ایجاد نموده‌است و در سایر مواد نیز تلاش نموده‌است مجازات‌های حبس را یا حذف یا کاهش دهد و به جای آن مجازات جزای نقدی تعیین یا این نوع مجازات را افزایش دهد.

ملاحظه می‌شود که سیاست جنائی تقنینی از این جهت جنبه سرکوبگرانه درپیش گرفته‌است ولی نباید از جنبه پیشگیرانه سیاست جنائی موردنظر در این مقررات نیز غافل ماند. این جنبه سیاست جنائی در مقررات بعد از انقلاب را می‌توان به شرح زیر مورد توجه قرار داد:

۱- از جهت ممنوعیت کشت مواد مخدر؛ ماده ۲ لایحه قانونی سال ۵۹ مقرر داشت هر کس مبادرت به کشت خشخاش نماید علاوه بر امحای کشت برای بار اول

به مجازات حبس جنائی درجه یک از ۳ تا ۱۵ سال و در صورت تکرار به مجازات اعدام محکوم خواهد شد.

و در تبصره ذیل ماده ۲ آمده است که: هرگاه ثابت شود که کشت خشخاش به دستور مالک و یا مستأجر و یا قائم مقام قانونی آنها به عمل آمده باشد در این صورت اشخاص مذکور به حداکثر مجازات مقرر در ماده فوق و زارع به حبس جنائی درجه دو از دوالی پنج سال محکوم خواهد شد.

و ماده ۳ این لایحه می گوید: در هر محلی که کشت خشخاش به عمل آید کدخدا مکلف است فوراً مراتب را به نزدیکترین پاسگاه ژاندارمری اطلاع دهد رئیس پاسگاه ژاندارمری محل یا جانشین او موظف است بلافاصله پس از اعلام کدخدا به محل عزیمت و با حضور کدخدا و روحانی و دو نفر معتمد محل و شخصی که متهم به کشت خشخاش می باشد کشت را محو نموده و صورت مجلسی که متضمن مراتب فوق باشد تنظیم و پس از انجام تحقیقات مقدماتی پرونده امر را همراه متهم و یا متهمان به نزدیکترین دادگاه صالح یا داسرا یا مراجع دیگر ارسال دارد عدم حضور متهم موجب تأخیر یا مانع اجرای این امر نخواهد بود.

مقررات ماده ۴ حاکی است که: در هر محل که خشخاش کشت شود اعم از آنکه قبل و یا بعد و یا در موقع برداشت محصول کشت گردد کدخدای محل در صورتی که با وجود علم به کشت خشخاش مراتب را به پاسگاه ژاندارمری اطلاع نداده باشد و رئیس پاسگاه در صورتی که پس از اعلام کدخدا نسبت به امحای کشت خشخاش و تشکیل پرونده مقدماتی و ارسال به مراجع قضائی اقدام ننموده باشد هر یک به دوالی پنج سال حبس جنائی درجه دو محکوم خواهند شد بعلاوه رئیس پاسگاه به انفصال ابد از خدمت دولتی محکوم می گردد.

در تبصره این ماده مقرر شده است: کدخدایان و بخشداران و رؤسای پاسگاههای ژاندارمری مکلفند مستمراً برای کشف کشت خشخاش مراقبتهای لازمه را معمول

دارند و در صورت مسامحه و کشف مزرعه خشخاش در حوزه خدمت آنان کدخدا برای همیشه از سمت کدخدائی محروم و بخشدار و رئیس پاسگاه زندامری نیز از سمت خود برکنار و به علت مسامحه در انجام وظیفه در دادگاه اداری و یا نظامی تحت تعقیب واقع و به مجازاتهای مقرر محکوم خواهند شد.

این مقررات تقریباً با اندکی اصلاحات و تغییرات در مجازاتها در مواد ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ مصوبه مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷، و اصلاحی ۱۳۷۶ گنجانده شده‌اند که جهت خودداری از اطاله کلام از ذکر متن مواد مزبور خودداری می‌کنیم.

۲- از حیث جایگزینیهای مجازات حبس: طبق ماده ۱۸ قانون تشدید... سال ۱۳۵۹ کلیه کسانی که به اتهام استعمال و اعتیاد و مواد مخدر و همچنین اختفاء و نگهداری و حمل مواد مذکور تحت تعقیب قرار گرفته و بازداشت گردیده‌اند مشروط به اینکه میزان مواد مکشوفه از پنجاه گرم مواد افیونی و یک گرم هروئین و مواد مخدر مشابه آن نبوده و این اشخاص نیز معتاد به استعمال مواد مخدر باشند پس از صدور قرار بازداشت به جای زندان به منظور معالجه و رفع کامل اعتیاد و اشتغال آنان به کار در حین مداوا و پیدا کردن تخصص حرفه‌ای در صورت لزوم به مراکزی که به وسیله دولت ایجاد خواهد شد اعزام و از آنان نگهداری خواهد شد. مدت معالجه جزء مدت مجازات آنان محسوب خواهد شد، چنانچه مدت معالجه بیش از مدت محکومیت به حبس باشد مادام که نسبت به مجرم رفع اعتیاد به عمل نیامده باشد در مرکز مذکور از متهم معتاد نگهداری شده و در حکم دادگاه نیز این معنی ذکر خواهد گردید.

و طبق ماده ۱۹ همان قانون: دولت مکلف است مراکز مجهزی برای نگهداری و مداوای مجرمین معتاد به وجود آورده و در مراکز مذکور کارگاههای صنعتی و مزارع کشاورزی و غیره به منظور اشتغال معتادان به کار و آشنایی آنان به حرفه تخصصی و امکان اشتغال و تحصیل درآمد پس از خروج از زندان ایجاد نماید اداره این مراکز

به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب وزارتخانه‌های دادگستری و بهزیستی خواهد رسید.

در همین راستا تا سال ۱۳۶۶ سازمان بهزیستی موفق شده بود ۱۷ مرکز بازپروری را با ظرفیت اسمی ۵۱۵۷ نفر در استانهای تهران، ایلام، مازندران، کرمان، خراسان، اصفهان، سیستان و بلوچستان، لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، یزد و هرمزگان دایر کند که جمعاً ۲۱۹۵۵ نفر معتاد در طی سال مزبور به آنها معرفی شده بود.^۱

در ماده ۴۲ الحاقی سال ۷۶ به مصوبه مبارزه با مواد مخدر نیز مقرر شده است به قوه قضائیه اجازه داده می‌شود که بخشی از محکومان مواد مخدر را به جای زندان در اردوگاههای خاص (با شرائط سخت و عادی) نگهداری نماید. دولت موظف است اعتبارات و تسهیلات و مقررات لازم را برای تهیه و اداره این اردوگاهها در ظرف مدت يك سال تأمین کند و طبق تبصره این ماده نیز اداره این اردوگاهها به عهده قوه قضائیه است.

۳- از حیث تلاش برای جرم‌زدایی از اعتیاد: هر چند در ماده ۸ قانون تشدید... سال ۵۹ برای اعتیاد مجازات تعیین شده بود ولی در همان ماده از امکان استعمال مجاز مواد مخدر نیز صحبت شده بود. در مصوبه مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۶۷ نیز در ماده ۱۵ مهلت‌هایی جهت ترك اعتیاد پیش‌بینی شده بود و تنها پس از انقضای مهلت‌های مذکور امکان تعقیب معتاد وجود داشت. در ماده ۱۵ اصلاحی سال ۷۶ مصوبه مبارزه با مواد مخدر نیز هر چند تصریح بر جرم بودن اعتیاد شده است ولی به کلیه معتادان اجازه داده شده است به مراکز مجازی که از طرف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مشخص می‌گردد مراجعه و نسبت به درمان و

۱- خلاصه گزارش شناخت منابع، موقعیت و امکانات جهت تدوین برنامه ملی پیشگیری، درمان و مبارزه با سوء مصرف و قاچاق مواد مخدر تهیه شده توسط ستاد مبارزه با مواد مخدر تیر ماه ۱۳۷۷ - ص ۳۰.

بازپروری خود اقدام کنند. و در تبصره ۳ این ماده نیز دولت مکلف شده است نسبت به احیاء و ایجاد اردوگاههای بازپروری معتادان به مواد مخدر اقدام لازم را به عمل آورد.

۴- از جهت تمرکز فعالیتهای مربوط به مبارزه در نهادهای خاص: در ماده ۳۳ مصوبه مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۶۷ پیشبینی شده بود که به منظور مبارزه با قاچاق مواد مخدر از هر قبیل و مبارزه با تولید و خرید و فروش و استعمال آنها و موارد دیگری که در این قانون ذکر شده است ستادی به ریاست نخست‌وزیر (بعد از اصلاحات قانون اساسی ریاست ستاد با رئیس‌جمهور می‌باشد) تشکیل و کلیه عملیات اجرائی و قضائی در این ستاد متمرکز می‌شود و اعضای ستاد عبارتند از نخست‌وزیر به عنوان رئیس ستاد، دادستان کل کشور، وزیر کشور، وزیر اطلاعات، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مدیرعامل صدا و سیما، فرمانده کمیته انقلاب اسلامی، سرپرست دادگاه و دادرسی مبارزه با مواد مخدر تهران، سرپرست سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی، وزیر آموزش و پرورش.

این ماده در اصلاحیه سال ۷۶ به شرح زیر اصلاح شد و اعضای آن نیز تغییر یافتند. طبق ماده ۳۳ اصلاحی به منظور پیشگیری از اعتیاد و مبارزه با قاچاق مواد مخدر از هر قبیل اعم از تولید، توزیع، خرید و فروش و استعمال آنها و نیز موارد دیگری که در این قانون ذکر شده است ستادی به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل و کلیه عملیات اجرائی قضائی و برنامه‌های پیشگیری و آموزش عمومی و تبلیغ علیه مواد مخدر در این ستاد متمرکز خواهد بود. اعضای ستاد به شرح زیر می‌باشند:

ریاست جمهوری

دادستان کل کشور

وزیر کشور

وزیر اطلاعات

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
 وزیر آموزش و پرورش
 ریاست سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران
 فرمانده نیروی انتظامی
 سرپرست دادگاه انقلاب اسلامی تهران
 سرپرست سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی

ج - سیاست جنائی قضائی و کیفر اعدام

علی‌رغم آنکه در مصوبات مربوط به مواد مخدر در دوران بعد از انقلاب اسلامی برای موارد مختلفی از جرائم مواد مخدر مجازات اعدام در نظر گرفته شده‌است و در اوایل انقلاب این مجازات با شدت هر چه تمام‌تر اعمال می‌شد ولی به مرور زمان از تأیید مجازات اعدام به وسیله دیوان عالی کشور به عنوان عالیت‌ترین مرجع قضائی کاسته شده‌است. یعنی علی‌رغم آنکه دادگاههای انقلاب همانند پیش و طبق مقررات مربوطه این مجازات را تعیین کرده‌اند دیوان عالی کشور سعی کرده‌است راههایی برای اجتناب از تأیید این مجازات پیدا کند از این رو به مرور زمان از تعداد موارد تأیید این مجازات کاسته شده‌است. برای مثال «درصد احکام تأیید شده دادگاههای شهرستانها در مرکز دیوان عالی کشور و دادستانی کل از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶ به شرح زیر بوده‌است»^۱.

سال ۱۳۶۷ ۱۰۰٪	سالهای ۶۸ و ۶۹ ۶۵٪	سال ۱۳۷۰ ۲۸٪
سال ۱۳۷۱ ۳۷٪	سال ۱۳۷۲ ۲۸٪	سال ۱۳۷۳ ۲۲٪
سال ۱۳۷۴ ۳۰٪	سال ۱۳۷۵ ۳۴٪	سال ۱۳۷۶ ۲۶٪

به طور کلی حسب آمار غیررسمی ستاد مبارزه با مواد مخدر تا اواخر سال ۱۳۷۷ در دوران بعد از انقلاب تعداد ۴۵۴۶ نفر در رابطه با جرائم مواد مخدر اعدام شده‌اند. از این تعداد ۱۱۰ نفر زن و ۴۴۳۶ نفر مرد بوده‌اند. که ۱۹۰۱ نفر آنان متأهل و ۴۶۰ نفر مجرد و بقیه وضعیتشان مشخص نشده‌است. از بین افراد مزبور ۳۰۰۶ نفر ایرانی و ۸۲۱ نفر غیرایرانی بوده‌اند و از بین غیرایرانیها ۸۰۵ نفر افغانی و ۱ نفر بنگلادشی و ۵ نفر پاکستانی و ۱ نفر ترکیه‌ای و ۳ نفر عراقی و ۱ نفر هندی بوده‌است.

د: سیاست جنائی اجرائی

در اینکه ایران عملاً در راه مبارزه با مواد مخدر (به هر انگیزه‌ای که باشد) گام برمی‌دارد و بدون آنکه در این نوشتار در مقام ارزیابی این مبارزه از جهت کیفی و از جهت نتیجه‌بخش بودن و... باشیم) تردیدی نیست. در این زمینه ایران به کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۹۸۸ ملحق شده‌است و با کشور پاکستان يك پروژه همکاری در زمینه معاضدت برای مبارزه با قاچاقچیان منعقد کرده‌است در این پروژه زمینه‌های اصلی همکاری به شرح ذیل مشخص شده‌است.

الف: ارزیابی تقاضای غیرقانونی مواد مخدر و تبادل تجربیات در زمینه برنامه‌های مؤثر پیشگیری و درمانی.

ب: سرکوب قاچاق مواد مخدر از طریق مراقبت و کنترل بیشتر.

ج: ارزیابی میزان کشت قاچاق از طریق سیستم کنترل از راه دور (ماهواره) و سایر روشهای بازرسی.

د: تبادل مستمر تجربیات در زمینه برنامه‌ریزی و اقدامات توسعه‌ای که در جهت کاهش کشت قاچاق در منطقه اتخاذ می‌گردد.

ه: کنترل داروهای مخدر و مواد شیمیائی^۱

۱- یادداشت تفاهم فی‌مابین ایران - پاکستان و برنامه بین‌المللی کنترل مواد مخدر سازمان ملل متحد (UNDCP) سال ۱۳۷۳ ص ۲.

همچنین تفاهم نامه‌هایی با بعضی کشورهای عربی و عهدنامه‌های معاضدت قضائی با بعضی کشورهای آسیای میانه منعقد کرده‌است.

در مرز مشترک ایران، افغانستان و پاکستان نیز موانع فیزیکی ایجاد نموده‌است و تاکنون ۵۲ میلیون دلار برای ساخت استحکامات در مرزهای ایران و افغانستان جهت جلوگیری از ورود مواد مخدر به ایران سرمایه‌گذاری کرده و یک نیروی ۳۰ هزار نفری در این مرزها مستقر نموده‌است و در راه مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر نزدیک به ۲۶۰۰ نفر از مأمورین مبارزه با مواد مخدر جان خود را از دست داده‌اند.^۱

هـ: سیاست جنائی مشارکتی

پیشنهاد سیاست جنایی مشارکتی یا سیاست جنائی توأم با شرکت وسیع جامعه یعنی در نظر گرفتن ضرورت ایجاد اهرمهای تقویتی دیگری به غیر از پلیس یا قوه قضائیه، به منظور اعتبار بخشیدن بیشتر به یک طرح سیاست جنایی، که به وسیله قوه مجریه و قوه مقننه تهیه و تدوین می‌گردد. استفاده از قدرت رسانه‌های جمعی، انجمنها و شهروندان در ایجاد توافق و هماهنگی درباره سیاست جنایی ضروری است.

شرکت دادن عموم مردم در سیاست جنایی افزون بر رفع دل‌نگرانی مشروع در جهت بالا بردن کارایی آن به معنای این است که امروزه پیشگیری و سرکوبی بزهکاری از جمله اموری هستند که به همه افراد جامعه مربوط می‌شوند.

به نظر بعضی از نویسندگان، شرکت دادن مردم در سیاست جنایی یعنی تفویض و انتقال افراطی اختیارات و وظایف حکومت و دولت به مردم، عده‌ای دیگر از مؤلفین، برعکس، آن را یک شیوه فعال می‌دانند که هدف از آن ارتقای آموزش مسئولیت به مردم از یک سو و هموار کردن زمینه دموکراسی محلی از سوی دیگر است.^۲

در ایران می‌توان از نقش مطبوعات در آگاهی‌دهی به مردم در زمینه زیانهای

۱- بولتن خبری تحلیلی ستاد مبارزه با مواد مخدر خرداد ماه سال ۱۳۷۷ پیشگفتار.

۲- دکتر علی‌حسین نجفی ابرنآبادی، همان، صص ۱۲۴-۱۲۳.

اعتیاد و آگاه ساختن خانواده‌ها به خطرات ناشی از مواد مخدر و مراقبت از فرزندان در عدم گرایش به مواد مخدر به عنوان سیاست جنائی مشارکتی نام برد.

همچنین دو جمعیت و انجمن غیردولتی در زمینه مبارزه با اعتیاد به مواد مخدر فعالیت دارند. یکی از این جمعیتها جمعیت مبارزه با اعتیاد است که حسب اعلام جمعیت مزبور تاکنون بیش از ۱۰ کارگاه آموزشی جهت پیشگیری از اعتیاد برای نزدیک به ۲۶۰ نفر از کارشناسان مختلف امور آموزشی، پرورشی و بهداشتی تهران به وسیله کمیته پیشگیری برگزار شده است و به وسیله کمیته حمایت از خانواده این جمعیت دهها خانواده گرفتار به مواد افیونی مورد حمایت قرار گرفته و کمیته امور فرهنگی و روابط عمومی جمعیت بیش از ۵۰۰ طرح فرهنگی، هنری و ورزشی با شرکت بیش از ده هزار نوجوان و جوان برگزار و ماهنامه پژواک را به عنوان اولین نوشتار علمی و تخصصی در مورد اعتیاد به تمام ایران فرستاده و پیام جمعیت مبارزه با اعتیاد را به تمام رسانه‌های گروهی ایران و بعضی از رسانه‌های جهان ابلاغ کرده است. کمیته درمان جمعیت با تکیه بر شناخت و تفکر و اراده فرد معتاد به توفیق بازگشت معتادان از ورطه اعتیاد نائل شده است.

جمعیت دیگر جمعیت آفتاب است. این جمعیت با شعار عزم ملی برای جامعه عاری از اعتیاد تلاشهایی را برای مبارزه با اعتیاد انجام داده است. این جمعیت در یک اقدام قابل توجه اقدام به اخذ نظر فقها و مجتهدین درخصوص استعمال مواد مخدر و کلیه مقدمات آن از قبیل کشت، تولید، وارد کردن، صادر کردن، نگهداری، حمل، اختفاء، توزیع، خرید و فروش، دایر کردن محل برای استعمال، تشویق افراد به استعمال، همچنین پیشگیری و بازداشتن اشخاص از استعمال تولید آلات و ادوات استعمال، مخفی کردن افرادی که مرتکب اعمال فوق شده‌اند و از بین بردن آثار ارتکاب و درواقع موارد احصاء شده در ماده یک مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام راجع به مبارزه با مواد مخدر نموده است که از جهت توجه افراد معتقد مفید و مؤثر می‌باشد. فتاوی مورد نظر چاپ و در سطح جامعه توزیع شده است.

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی در مقام مقایسه بین دوران قبل از انقلاب و بعد از انقلاب می‌توان گفت در مورد جرائم مواد مخدر، ایران در دوران بعد از انقلاب يك سیاست جنائی به‌مفهوم اعم کلمه درباره جرائم مواد مخدر در پیش گرفته‌است. این سیاست جنائی هم در زمینه‌های قانونی تبلور یافته‌است و هم در زمینه‌های قضائی و عملی.

ولی در دوران قبل از انقلاب فقط می‌توان از سیاست جنائی به‌مفهوم مضیق کلمه (سیاست کیفری) صحبت کرد. توضیح آنکه در دوران قبل از انقلاب سیاست دولت در رابطه با مواد مخدر تا يك زمانی جنبه تشویقی داشته‌است قوانین و آئین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌ها و بخشنامه‌های موجود حکایت از این سیاست تشویقی رژیم حداقل به نحو غیرمستقیم دارد ولی از سال ۱۳۳۴ به بعد تقریباً این سیاست به‌دلایل مختلف جنبه تشویقی خود را از دست داده و تا اندازه‌ای جنبه سرکوبی به‌خود گرفته‌است. اوج این سیاست سرکوب یا سیاست کیفری به سالهای ۱۳۴۸ به بعد با تصویب قانون تشدید... برمی‌گردد.

در دوران بعد از انقلاب ضمن آنکه سیاست کیفری شدیدی (در برهه خاصی از زمان این شدت عمل بیش از حد بود) در پیش گرفته شده‌بود ولی هماهنگ با آن دولت در راه مبارزه غیرکیفری نیز اقدامهایی برداشته‌است که مصادیق آن را می‌توان در پیش‌بینی جایگزین‌های زندان در قانون تشدید... سال ۵۹ و مصوبه مبارزه با مواد مخدر اصلاحی سال ۱۳۷۶ و پیش‌بینی ایجاد مراکز بازپروری و... مشاهده‌نمود.

واقع امر آن است که سیاست جنائی معمول، در عمل کارایی زیادی نداشته‌است و می‌توان گفت عملاً شکست خورده‌است افزایش روزافزون آمار معتادان نسبت به جمعیت در مقام مقایسه با سالهای گذشته، افزایش جمعیت کیفری و افزایش موارد محکومین به جرائم مواد مخدر و افزایش کشفیات مواد مخدر و... با در نظر گرفتن نسبت‌های منطقی منجمله افزایش میزان جمعیت، بیکاری، بحرانهای مالی و اقتصادی و... حکایت از عدم موفقیت سیاست جنائی موجود دارد. شاید بتوان یکی از دلایل

شکست سیاست جنائی موجود را توجه بیشتر به معلولها و عدم توجه یا توجه کمتر به علل دانست.

ممکن است ایراد شود که ستاد مبارزه با مواد مخدر مسئولیت اشتغالزایی را برعهده ندارد، ولی باید توجه داشت وقتی ماده ۲۳ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت راجع به «مبارزه با مواد مخدر» کلیه فعالیتهای مبارزه را متمرکز در ستاد می‌داند می‌توان یکی از فعالیتهای اصلی ستاد را ایجاد اشتغال و جلوگیری از گرایش جوانان به مواد مخدر دانست و الا تمرکز این فعالیتهای در ستاد مفهومی نداشت.

فهرست منابع

- ۱- انصاری - مسعود، قوانین تریاک، چاپ دانشگاه پلیس.
- ۲- حسینی - سیدمحمد، مجله کانون وکلاء شماره ۱۱، سیاست جنایی (مفاهیم و مدلها).
- ۳- سفیدپور - علی اکبر، اثرات اجتماعی تریاک چاپ دانشگاه پلیس ۱۳۴۱.
- ۴- شهیدی - محمدحسین، امنیت اجتماعی و راه سوم.
- ۵- نجفی ابرندآبادی - علی حسین، سیاست جنائی، (تهران، نشر یلدا، ۱۳۷۵).
- ۶- نشریه مربوط به همایش ابعاد بین‌المللی مواد مخدر در زمینه مسائل قضائی ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری سال ۱۳۷۷.
- ۷- خلاصه گزارش شناخت منابع موقعیت و امکانات جهت تدوین برنامه ملی پیشگیری، درمان و مبارزه با سوء مصرف و قاچاق مواد مخدر تهیه شده توسط ستاد مبارزه با مواد مخدر تیر ماه ۱۳۷۷.
- ۸- یادداشت تفاهم فی مابین ایران - پاکستان و برنامه بین‌المللی کنترل مواد مخدر سازمان ملل متحد سال ۱۳۷۳.
- ۹- کلیه قوانین و مقررات مربوط به مواد مخدر از بدو قانونگذاری تا به حال.